

تاریخ پوشیده آیت چهل — شماره هشت

کوهستان

Jeff Pippenger

2026-04-05

د کوه تجلی برای پطرس میان پانیوم و صلیب واقع شد، و در خطی دیگر، پطرس میان تعمید مسیح در آغاز خدمت او و اندکی پس از ورود ظفرمندان در پایان خدمت او قرار دارد. آن سه نشان راه—تعمید، کوه، و پایان ورود ظفرمندان—به وسیله آن سه بار که پدر آسمانی تکلم نمود، مشخص شده اند. بار سوم در یوحنا ۱۲ زمانی است که یونانیان در پی عیسی بودند. تعمید ۹/۱۱ است، کوه در تاریخ پانیوم تا یکشنبه قانون آیه شانزدهم قرار دارد. برای پطرس، نخست پانیوم بود، سپس کوه تا پایان ورود ظفرمندان، که درست پیش از آن بود که مسیح برای بار دوم جلال یابد.

اکنون جان من مضطرب است؛ و چه بگویم؟ ای پدر، مرا از این ساعت رهایی ده؛ لیکن برای همین سبب به این ساعت رسیده ام. ای پدر، نام خود را جلال ده. آنگاه آوازی از آسمان آمد که می گفت: آن را جلال داده ام و باز نیز جلال خواهم داد. پس مردمی که در آنجا ایستاده بودند و آن را شنیدند، گفتند که رعدی به صدا درآمد؛ و دیگران گفتند: فرشته ای با او سخن گفت. عیسی در پاسخ گفت: این آواز نه به خاطر من، بلکه برای شما آمد. اکنون داور این جهان است؛ اکنون رئیس این جهان بیرون افکنده خواهد شد. و من، اگر از زمین برافراشته شوم، همه را به سوی خود خواهم کشید. این را گفت تا اشاره کند که به چه گونه مرگی خواهد مرد. یوحنا ۱۲:۲۷-۳۳.

و خط جو احبار تثیس اور پینتیکستی موسم کے ذریعے متعین کیا گیا، اُس کا ایک ابتدائی نشان راہ تین مراحل پر مشتمل ہے جس کے بعد پانچ دن آتے ہیں، اور ایک اختتامی نشان راہ بھی ہے جو انہی عین اوصاف کا حامل ہے۔ ان نشان راہ کے درمیان تیس دن کا عرصہ کاہنوں کے زمانے کی نمائندگی کرتا ہے، جو عید نرسنگہ پر ختم ہوتا ہے۔ عید نرسنگہ، مسیح کا اپنی قیامت کے بعد چالیس دن تک اپنے شاگردوں کو روبرو تعلیم دینے کے بعد صعود، اور یوم کفارہ، احبار تثیس میں اُس خط کے اختتام کے تین مراحل کی نمائندگی کرتے ہیں۔ ان تین مراحل کے بعد پینتیکست اور عید خیام دونوں تک پانچ دن آتے ہیں۔ تیسری بار جب آسمانی باپ نے کلام کیا، تو یہ اُس وقت سے ذرا پہلے تھا جب یونانی—جو اُن لوگوں کی نمائندگی کرتے ہیں جو اتوار کے قانون پر بابل سے بلائے جاتے ہیں—یسوع سے ملاقات کے خواہاں تھے۔ اتوار کے قانون سے ذرا پہلے یسوع صلیب پر عَلم کے بلند کیے جانے کی نشان دہی کرتا ہے۔ 9/11 پر زمین اُس کے جلال سے منور ہوئی، اور اتوار کے قانون پر وہ پھر منور ہوتی ہے۔

قیصریہ فیلیپی، کہ همان پانیوم است، ساعت سوم است؛ و قیصریہ ماریتیم ساعت نہم صلیب است، آنگاہ کہ ندای بیرون آمدن از بابل به صدا درمی آید. پیش از صلیب، در حالی کہ هنوز در تاریخ نیوی پانیوم هستیم، پطرس بر کوه است، اما همچنان پیش از پایان ورود ظفرمندانہ. پانیوم تا صلیب آیه شانزده ادامه می یابد. پطرس در پانیوم درست پیش از تاریخ سه مرحلہ ای عید گرناہا، صعود و کفارہ در لایوان بیست و سه قرار دارد. پطرس در سی روز تعلیم ویژه کاہن است.

شمعون در پانیوم پطرس می شود، و پیش از ورود ظفرمندانہ، یک گام بر کوه دارد. ورود ظفرمندانہ، مثلاً ده باکرہ را به تصویر می کشد. تنها پنج تن به عروسی داخل می شوند، و پنج روز میان راہ نشان سه گانہ و پنتیکاہست، آغاز ورود ظفرمندانہ است. این امر از عید شیپورہا آغاز می شود، اما آن راہ نشان از ترکیب سه راہ نشان تشکیل شدہ است. آنان بہ منزلہ یک راہ نشان واحد، حملہ بر نشویل را با عید شیپورہا مشخص می سازند. پیام فریاد نیمہ شب بہ تازگی تأیید شدہ خواہد بود، و موکب پنج باکرہ دانا فرایندی را آغاز می کند کہ بہ مرگ، دفن و قیام صلیب، کہ همان قانون یکشنبہ است،

می‌انجامد.

پطرس در پانیوم است آنگاه که پیشگویی گوی‌های آتشین نشویل را تصحیح می‌کند، و پیش از آن که در تحقق آن پیشگویی، عید شیپورها نواخته شود. او به ضرورت نبوی باید نخست به کوه برود، زیرا کوه پیش از ورود ظفرمندان بود. پیش از آن که ابراهیم به کوه برود، نامش تغییر یافت، و نام پطرس نیز در پانیوم تغییر یافت، پیش از آن که به کوه برود. کوه آزمون پطرس است پیش از آن که پیشگویی گوی‌های آتشین نشویل به تحقق برسد. این تحقق، آزمون سوم و محک است که در آن، منش یا به صورت شادی یا به صورت شرمساری آشکار می‌گردد.

خط ۴۵۷ پیش از میلاد میان رافیا و پانیوم پایان می‌یابد؛ عهد باب هفدهم پیدایش با رافیا منطبق است، و عهد باب شانزدهم متی ۱۶ با پانیوم منطبق می‌باشد. از پانیوم، پطرس به کوه می‌رود، همان‌گونه که ابراهیم برای قربانی اسحاق رفت. کوه خط پطرس با کوه زمان ابراهیم منطبق است.

نشان راه ابراهیم از سه روز تشکیل می‌شد. در ورود ظفرمندان، دو شاگرد فرستاده شدند تا الاغی را بیاورند که مسیح را حمل کند؛ و در خط ابراهیم، سفر سه‌روزه او با برگزیدن دو خادم و یک الاغ برای حمل هیزم قربانی اسحاق آغاز می‌شود. سفر هشت‌روزه یا شش‌روزه پطرس به کوه، برای ابراهیم سه روز بود. پطرس در پانیوم پیش از کوه و پیش از گشودن الاغ برای آغاز ورود به اورشلیم قرار دارد، و همان‌جا جایی است که سه روز ابراهیم آغاز شد. در ورود ظفرمندان، مسیح بر فراز کوه زیتون ایستاد و بر اورشلیم گریست، و بدین‌سان پایان رابطه عهدی میان خدا و اسرائیل کهن تحت‌اللفظی را مشخص ساخت. کوه پطرس پیش از ورود ظفرمندان است؛ کوه مسیح در جریان ورود ظفرمندان است؛ و کوه ابراهیم در پایان آن ورود قرار دارد.

۲۰۲۶ سال انتخابات میان‌دوره‌ای است؛ زمانی که دویست و پنجاهمین سال ششمین پادشاهی نبوت کتاب مقدس، سلطنت باشکوه خود را جشن می‌گیرد. آن جشن، به‌عنوان یک نقطه میانی نبوی، با آنتیوخوس کبیر در ۲۰۷ پیش از میلاد هم‌راستا است؛ همان نقطه میانی میان رافیا و پانیوم که پایان دویست و پنجاه سال از ۴۵۷ پیش از میلاد را مشخص می‌سازد.

چنان‌که چهار خطی را که از فصل یازدهم تا فصل بیست و دوم را در بر می‌گیرند و تا کنون گشوده شده‌اند در نظر می‌گیریم، (شاید نمونه‌های دیگری نیز باشد) اکنون آن فصل‌ها را در کتاب آرزوی اعصار بررسی می‌کنیم. فصل یازدهم «تعمید» است، و فصل بیست و دوم «زندان و مرگ یحیی» است. یحیی در آغاز و در پایان قرار دارد، و فصل هفدهم، یعنی فصل میانی، «نیکودیموس» است.

«نیکودیموس نزد خداوند آمده بود با این اندیشه که با او وارد گفت‌وگو شود، اما عیسی اصول بنیادی حقیقت را آشکار ساخت. او به نیکودیموس گفت: آنچه تو بیش از هر چیز بدان نیاز داری، نه معرفت نظری، بلکه تولد تازه روحانی است. نیاز تو این نیست که کنجکاویت ارضا شود، بلکه آن است که دلی نو بیابی. تو باید حیاتی تازه از بالا دریافت کنی، پیش از آنکه بتوانی امور آسمانی را درک کنی. تا زمانی که این دگرگونی، که همه‌چیز را نو می‌سازد، پدید نیاید، گفت‌وگو کردن با من درباره اقتدارم یا رسالتم برای تو هیچ سود نجات‌بخشی نخواهد داشت.»

проповедь Иоанна Крестителя о покаянии и крещении, а также то, как он 171» указывал народу на Того, Кто будет крестить Духом Святым. Он и сам ощущал, что среди иудеев недостает духовности и что в значительной мере ими управляют фанатизм и мирское честолюбие. Он надеялся, что с пришествием Мессии наступит лучшее состояние вещей. Однако проникающая в сердце весть Крестителя не привела его к осознанию греха. Он был строгим фарисеем и гордился своими добрыми делами. Его повсюду высоко ценили за его

благотворительность и щедрость в поддержании храмового служения, и он чувствовал себя уверенным в благоволении Божьем. Его потрясла мысль о царстве, слишком чистом для того, чтобы он мог увидеть его в своем нынешнем состоянии». Желание веков, 171»

اواسط کتاب دیزائر آف ایجز در سطر مربوط به نیکودیموس یافت می‌شود؛ کسی که نمایانگر آخرین فراخوان به آدونتیزم در امتداد مهر شدن یکصد و چهل و چهار هزار است. او نماینده گروهی است که پیام پیشاهنگ مسیح را شنیدند، اما از وضعیت لائودیکیه‌ای خود بی‌خبر بودند.

«در مصاحبه با نیکودیموس، عیسی نقشه نجات و مأموریت خویش را برای جهان آشکار ساخت. در هیچ‌یک از گفتارهای بعدی خود، او به این اندازه کامل و گام‌به‌گام، کاری را که می‌بایست در دل‌های همه کسانی که وارث ملکوت آسمان خواهند شد، انجام گیرد، توضیح نداد. او در همان آغاز خدمت خویش، حقیقت را بر یکی از اعضای سنهدرین، بر ذهنی که از همه پذیراتر بود، و بر معلمی منصوب برای قوم، گشود. اما رهبران اسرائیل نور را نپذیرفتند. نیکودیموس حقیقت را در دل خود پنهان کرد، و تا سه سال ثمر آشکاری اندک دیده شد.» آرزوی اعصار، ۱۷۶.

پیام یوحنا و تعمید او از مسیح، پیام فرشته اول درباره ترسیدن از خدا را نمایندگی می‌کرد. پیام یوحنا، پیام لائودیکیه درباره عادل‌شمردگی به واسطه ایمان بود، و آن پیام در تعمید مسیح قدرت یافت؛ همان‌گونه که پیام جونز و واگنر، پیام به لائودیکیه در سال 1888 بود. تعمید مسیح و سال 1888، به‌طور نمادین بیانگر رسیدن پیام به لائودیکیه در 9/11 بودند، که در نقطه میانی میان Raphia و Panium پایان می‌یابد.

نیکودیموس به معنای «پیروزی قوم» است، و عادل‌شمردگی به وسیله ایمان همان پیام مهرکننده‌ای است که با پیام یوحنا آمد، در تعمید قوت یافت، و به وسیله ملاقات نیمه‌شب نیکودیموس با مسیح تعریف شد. باب بیست‌ودو مرگ یوحنا را وصف می‌کند که موجب تشخیص آن علمی از سوی شاگردانش شد که برافراشته می‌گردید و همه مردم را به سوی خود جذب می‌کرد. تعمید، هم 9/11 بود و هم 18 ژوئیه 2020 تا 31 دسامبر 2023، زیرا تعمید، مرگ (2020)، دفن (سه روز و نیم) و قیامت (31 دسامبر 2023) را به تصویر می‌کشد. سپس ملاقات نیمه‌شب، که در آن پیروزی قوم به صورت تولد دوباره به تصویر کشیده می‌شود، از نابینایی لائودیکیه تا بصیرت بیست‌بیست یک فیلالدلفیایی. سپس اعمال مسیح به عنوان برافراشتن علم مطرح می‌گردد.

برای ابراهیم، اعمال مسیح در سیر یوحنا با قربانی اسحاق همسو است. برای پطرس، این سیر در قیصریه کنار دریا، قیصریه ماری تیما، در ساعت نهم پایان می‌یابد؛ جایی که صلیب همه انسان‌ها را به پیروزی تبرئه به وسیله ایمان فرا می‌خواند، و این همان پیام فرشته سوم است. پیام فرشته سوم، پیام سومین وای اسلام است که در 9/11 در نخستین مواجهه بلعام با الاغ اسلام فرارسید؛ سپس با دوبرابر شدن ضربات علیه سرزمین جلال تحت‌اللفظی در 7 اکتبر 2023، و آنگاه دومین ضربه در نشویل، هنگامی که بلعام الاغ اسلام را از میان تاکستان‌های سرزمین جلال کهن تحت‌اللفظی و نوین روحانی هدایت می‌کند. سومین ضربه، زلزله قانون یکشنبه به زودی آمدنی است. در آنجا اسحاق تقدیم می‌شود؛ در آنجا شاگردان یوحنا، که نمادی از آن گروه عظیم‌اند که ردهای سفید شهادت به ایشان داده می‌شود، اعمال علم را شنیدند و دیدند. نقاط میانی پیدایش، متی، و آرزوی اعصار، مهر شدن صد و چهل و چهار هزار و فراخوانده شدن امت‌ها را مشخص می‌سازند.

توضیحی که مسیح به نیکودیموس داد، همان کار باد بود، هرچند کار آن نادیدنی است.

«نیکودیموس هنوز سرگشته بود، و عیسی برای روشن ساختن مقصود خود از باد بهره گرفت: "باد هر جا که بخواهد می‌وزد، و تو آواز آن را می‌شنوی، اما نمی‌دانی از کجا می‌آید و به کجا

می‌رود؛ هر که از روح مولود شده باشد نیز چنین است.»

«باد در میان شاخه‌های درختان شنیده می‌شود و برگ‌ها و گل‌ها را به خش‌خش و جنبش می‌آورد؛ باین‌حال نامرئی است، و هیچ‌کس نمی‌داند از کجا می‌آید و به کجا می‌رود. کار روح‌القدس بر دل نیز چنین است. توضیح آن بیش از حرکات باد ممکن نیست. ممکن است شخص نتواند زمان یا مکان دقیق، یا همه اوضاع و احوال مربوط به روند توبه و بازگشت را مشخص سازد؛ اما این ثابت نمی‌کند که او توبه نکرده است. مسیح به واسطه عاملیتی که همچون باد نادیدنی است، پیوسته بر دل کار می‌کند. اندک‌اندک، و شاید بی‌آنکه گیرنده آگاه باشد، تأثیراتی پدید می‌آید که جان را به سوی مسیح می‌کشاند. این تأثیرات ممکن است از راه تأمل درباره او، از راه خواندن کتب مقدس، یا از راه شنیدن کلام از واعظ زنده دریافت شود. ناگهان، هنگامی که روح با دعوتی مستقیم‌تر فرامی‌رسد، جان با شادی خویشتن را به عیسی تسلیم می‌کند. بسیاری این را توبه‌ای ناگهانی می‌نامند؛ اما این نتیجه دلجویی دیرپا از سوی روح خداست، یعنی فرایندی صبورانه و طولانی.»

«اگرچه باد خود نادیدنی است، آثاری پدید می‌آورد که دیده و احساس می‌شوند. همچنین کار روح بر جان، در هر عمل کسی که قدرت نجات‌بخش آن را احساس کرده است، آشکار خواهد شد. هنگامی که روح خدا مالک قلب می‌شود، زندگی را دگرگون می‌سازد. افکار گناه‌آلود کنار گذاشته می‌شوند، اعمال شریرانه ترک می‌گردند؛ محبت، فروتنی و صلح جای خشم، حسد و نزاع را می‌گیرند. شادی جای اندوه را می‌گیرد، و چهره نور آسمان را منعکس می‌کند. هیچ‌کس دستی را که بار را برمی‌دارد نمی‌بیند، و فرود آمدن نور را از بارگاه‌های بالا مشاهده نمی‌کند. برکت زمانی می‌آید که جان، به وسیله ایمان، خود را به خدا تسلیم می‌کند. آنگاه آن قدرتی که هیچ چشم بشری نمی‌تواند آن را ببیند، وجودی تازه بر صورت خدا می‌آفریند.» آرزوی اعصار، 172، 173.

در ۹/۱۱، باران آخر آغاز به باریدن نم‌نم کرد. در ۹/۱۱، اسلام که در نبوت کتاب مقدس به صورت «باد شرقی» نمایانده شده است، هم‌زمان با آغاز مهر شدن صد و چهل و چهار هزار نفر، فرا رسید. باران آخر، که پیامی است که به صورت «روغن طلایی» نمایش داده می‌شود و از دو لوله طلایی زکریا فرو می‌ریزد، فراخواندن ادونتیست‌های روز هفتم لائودیکیه را به توبه آغاز کرد. باد روح‌القدس کار خود را برای تعلیم همه آنچه مکتوب است آغاز نمود، و پیام راه‌های قدیم ارمیا را به کار گرفت تا با دل‌های لائودیکیان کور سخن بگوید. کار روح‌القدس که برای نیکودیموس به تصویر کشیده شده بود، با شرحی کامل‌تر، همان «کار گام‌به‌گام» و «عملی که لازم است در دل‌های همه کسانی که وارث ملکوت آسمان خواهند شد انجام پذیرد» بود. این فرایند از سوی مسیح به کار باد تشبیه شد، و این فرایند در خلال دوره «باد شرقی» که در ۹/۱۱ فرا رسید، رخ می‌دهد. اشعیا نیز همین دوره را با عنوان باد سخت مورد خطاب قرار می‌دهد.

به اندازه، چون آن را برون فرستی، با آن محاجّه خواهی کرد؛ او در روز باد شرقی، باد سخت خویش را باز می‌دارد. پس بدین سبب، گناه یعقوب کفاره خواهد شد؛ و تمامی ثمر آن این است که گناه او برداشته شود؛ آنگاه که او همه سنگ‌های مذبح را چون سنگ‌های گچ که درهم کوبیده شده‌اند خواهد ساخت؛ و بیشه‌ها و تمثال‌ها برپا نخواهند ماند. اشعیا ۸: ۲۷، ۹

تمام انبیا در ایام آخر با یکدیگر هماهنگ‌اند، و «باد سخت» اشعیا همان بادهای فتنه یوحناست که در هنگام مهر شدن صد و چهل و چهار هزار تن مهار می‌شوند. باد سخت اشعیا همان باد شرقی است که در شهادت اشعیا «بازداشته» می‌شود و در شهادت یوحنا مهار می‌گردد. بادهای فتنه یوحنا در حالی بازداشته می‌شوند که قوم خدا مهر می‌شوند، و باد شرقی اشعیا به عنوان دوره‌ای شناخته می‌شود که در آن «گناه یعقوب» «کفاره» می‌گردد. واژه عبری ترجمه شده به «کفاره می‌گردد» به معنای کفاره داده شدن است. مهر شدن یوحنا همان است که در باب نهم حزقیال آمده و همان است که با کفاره

شدن گناہ یعقوب بیان شدہ است۔ آن فرشتہ ای کہ از میان اورشلیم می گذرد و بر کسانی کہ آہ و نالہ می کنند نشانی می نهد، همان فرشتہ ای است کہ از «مشرق» برمی آید۔

اور ان باتوں کے بعد میں نے چار فرشتے زمین کے چاروں کونوں پر کھڑے دیکھے، جو زمین کی چاروں ہواؤں کو روکے ہوئے تھے تاکہ ہوا نہ زمین پر چلے، نہ سمندر پر، اور نہ کسی درخت پر۔ پھر میں نے ایک اور فرشتہ مشرق کی طرف سے چڑھتا ہوا دیکھا، جس کے پاس زندہ خدا کی مہر تھی؛ اور اُس نے بلند آواز سے اُن چار فرشتوں کو پکار کر کہا، جنہیں زمین اور سمندر کو نقصان پہنچانے کا اختیار دیا گیا تھا، یہ کہتے ہوئے، زمین کو نقصان نہ پہنچاؤ، نہ سمندر کو، اور نہ درختوں کو، جب تک کہ ہم اپنے خدا کے بندوں کی پیشانیوں پر مہر نہ کر دیں۔ مکاشفہ 7:1-3۔

فرشتہ مسیح ہے، اور وہ پینتیکاستی موسم میں شاگردوں کو روبرو تعلیم دینے کے چالیس دنوں کے اختتام پر صعود فرما ہوا؛ اور لاویین تئیس میں عید نرسنگا کے دن وہ اُن کابنوں کے ساتھ روبرو تعلیم کے تیس دنوں کے اختتام پر صعود فرماتا ہے، جن کی نمائندگی عدد تیس کرتا ہے۔

سال ۲۰۲۶ سال انتخابات میان دورہ ای است، و این انتخابات پیشاپیش به عنوان نشانه های نبوتی تأیید شده اند۔ اگر دموکرات ها انتخابات ۲۰۲۰ را نمی دزدیدند، ترامپ معمای روم را تحقق نمی بخشید۔ معمای روم این است کہ «ہشتم است و از آن ہفت»۔ این معما ترامپ را به عنوان نمایندہ صورت وحش معرفی می کند، کسی کہ ہموارہ به صورت ہشتم برمی خیزد، با این حال از آن ہفت است۔ در دانیال ہفت، لازم بود سہ شاخ از دہ شاخ روم بت پرست برکنده شوند تا شاخ کوچک سر برآورد۔ در آنجا روم پاپی به عنوان ہشتمین، در میان ہفت شاخ دیگر، برآمد، با این ہمہ از روم بت پرست بیرون آمد، زیرا می بایست از آن ہفت باشد۔ در دانیال ہشت، امپراتوری ماد و پارس یا دو شاخ نشان داده شدہ بود، سپس یونان یک شاخ واحد بود کہ چون شکستہ شد، چہار شاخ پدید آورد؛ از این رو پیش از آن کہ روم پدید آید، ہفت شاخ وجود داشتہ اند، و شاخ کوچک روم ہشتمین است۔ شواہد دیگری نیز بر این واقعیت وجود دارند کہ روم ہموارہ به صورت ہشتم برمی خیزد و از آن ہفت است، اما مرجع اصلی این معما باب ہفدہم مکاشفہ است۔

सात वे और है। बैठी स्त्री वह पर जनि, है पहाड़ सात सरि सात वे है। समझ जसिमे है बुद्धविह यही और थोड़े उसे तो, आएगा वह जब और; आया नहीं तक अभी दूसरा और, है एक और, है चुके गरि पाँच: है राजा और, है से में सात उन और, है आठवाँ वही, है नहीं और, था जो पशु वह और है। अवश्य ठहरना तक समय । 17:9-11 प्रकाशतिवाक्य है। जाता में वनिश

انتخابات مسروقه ۲۰۲۰، یک انتخابات را به عنوان یک نشانه نبوی مشخص ساخت۔ شاهد دومی بر این واقعیت در رئیس جمهور کارتر یافت می شود۔ ریگان نخستین آن رئیس جمهورانی بود کہ به ترامپ منتهی می شوند؛ همان کہ ہشتمین است و از آن ہفت می باشد، زیرا صورتی از روم برپا می کند۔ ریگان نخستین سلسلہ ہشت رئیس جمهور از زمان آخر در ۱۹۸۹ بود۔ سال ۱۹۸۹ در دانیال یازدہ، آیات ۱ تا ۴، به انجام رسید و شہادت ثروتمندترین رئیس جمهور را عرضه می دارد۔ پیش از ریگان، تا آن مقطع، بدترین رئیس جمهور تاریخ قرار داشت۔ کارتر منصب را ترک کرد، در حالی کہ بحران اسلام حل نشده باقی مانده بود۔ چہل و ہفت سال بعد، ترامپ اکنون مسئلہ ای را حل می کند کہ دموکرات، کارتر، برای ریگان بر جای گذاشت۔ از آنجا کہ نخستین و آلفا، یعنی ریگان، جمهوری خواہی بود کہ نمونہ وار به یک جمهوری خواہ در پایان و امگا اشارہ داشت، ترامپ نیز می بایست بحرانی از اسلام را به ارث برده باشد کہ به وسیلہ رئیس جمهور دموکرات پیشین پدید آمدہ بود؛ کسی کہ به ضرورت نبوی، تا آن مقطع، بدترین رئیس جمهور تاریخ می بود۔ البتہ اوباما ہمہ آن ویژگی های نبوی را برآورده ساخت، و بایدن نیز چنین کرد۔ برای آن کہ ریگان بتواند نمونہ آخرین باشد، او ہمچنین می بایست نہ تنها نمونہ ہشتم، بلکہ نمونہ ششم نیز باشد۔ در انجام این امر، شیر سبط یهودا می بایست انتخابات را تحت کنترل داشتہ باشد تا توالی ریاست جمهوری های ناکام را کہ در ہر دو مورد پیش از ترامپ قرار داشتند، تضمین کند۔

انتخابات یک نشانه نبوی است، و ۲۰۲۶ انتخابات میان دوره‌ای برای آن رئیس‌جمهوری است که هشتمین است و از آن هفت می‌باشد.

خط دویست و پنجاه ساله ایالات متحده آمریکا در سال ۱۷۷۶ آغاز شد و در سال ۲۰۲۶ به اوج خود می‌رسد. خط دویست و پنجاه ساله ۴۵۷ پیش از میلاد در سال ۲۰۷ پیش از میلاد، میان آیات یازده و پانزده، یعنی در میان نبردهای رافیا و پانیوم، به اوج خود رسید. رافیا از نظر نبوی با عهد ختنه مذکور در پیدایش هفده هم‌راستا است، و پانیوم از نظر نبوی با عهد مذکور در متی شانزده، یعنی عهد یکصد و چهل و چهار هزار، هم‌راستا است. سال ۲۰۲۶ با ۲۰۷ پیش از میلاد هم‌تراز است، میان آیات یازده و پانزده—میان رافیا و پانیوم، که همچنین میان نخستین عهد خدا با قومی برگزیده و آخرین عهد خدا با قومی برگزیده قرار دارد.

دو خط دویست و پنجاه ساله که به نقطه میانی سال‌های ۲۰۷ پیش از میلاد و ۲۰۲۶ ختم می‌شوند، با خط دویست و پنجاه ساله آزار و جفا که در هنگام سوختن شهر روم در سال ۶۴ آغاز شد، هم‌راستا هستند. از آن زمان، هفت سال هشدار درباره ویرانی قریب الوقوع، به وسیله مردی شگفت، به ساکنان اورشلیم اعلام شد. هنگامی که سال هفتاد فرا رسید و اورشلیم ویران گردید، کلیسای خدا پراکنده شد و آنان انجیل را به سراسر جهان رساندند. هم‌زمان با اینکه کلیسای افسس پیام پنطیکاستی رستخیز را اعلام می‌کرد، آزار و جفایی که به وسیله کلیسای اسمیرنا نمایانده شده است آغاز شد، زیرا آن دو کلیسا بنا بر ضرورت نبوی، برای مدتی به‌طور موازی پیش می‌رفتند. پولس از رهبران کلیسای نبوی افسس بود، با این حال درباره هر دو تاریخ قلم زد.

آزارها و رنج‌هایی که بر من در انطاکیه، قونیه و لیستره وارد آمد؛ چه آزارها که تحمل کردم؛ لیکن خداوند مرا از همه آنها رهانید. آری، و همه آنان که بخواهند در مسیح عیسی به دینداری زیست کنند، متحمل آزار خواهند شد. دوم تیموتائوس ۳: ۱۱، ۱۲.

A.T. Jones identifica el período de doscientos cincuenta años que comienza en el año 64 y termina con el Edicto de Milán en 313. Durante esos años, la persecución contra el pueblo de Dios fue llevada a cabo por la Roma pagana, pero el mensaje a la iglesia de Esmirna señala diez días, que representan la persecución más intensa de todo ese período

از هیچ‌یک از آنچه خواهی کشید مترس؛ اینک، ابلیس بعضی از شما را به زندان خواهد افکند تا آزموده شوید؛ و ده روز مصیبت خواهید داشت. تا سرحد مرگ وفادار بمان، و من تاج حیات را به تو خواهم داد. مکاشفه ۲: ۱۰

دوره آن آزار و جفا که به واسطه امپراتور دیوکلتیان نمایانده شده است، ده سال بود؛ از ۳۰۳ آغاز شد و در ۳۱۳ پایان یافت، هنگامی که امپراتور کنستانتین کبیر در حال فرمانروایی بود، چنان‌که در نخستین قانون یکشنبه در سال ۳۲۱ نیز چنین بود، و نیز زمانی که او در ۳۳۰ روم را به شرق و غرب تقسیم کرد. سال ۳۱۳ از لحاظ نبوی با ازدواج دیپلماتیک در میلان مشخص شد، آنگاه که امپراتور کنستانتین (حاکم غرب) ترتیب ازدواج خواهر ناتنی خود، فلاویا جولیا کنستانتیا، را با لیسینیوس داد؛ همان امپراتوری که بخش شرقی امپراتوری روم، یا بخشی را که به زودی شرقی می‌شد، در اختیار داشت. این ازدواج به‌طور نمادین هنگامی پایان یافت که کنستانتین در ۳۳۰ پادشاهی را به شرق و غرب تقسیم کرد.

دوره دویست و پنجاه ساله نرون با یک دوره هفت ساله آغاز می‌شود که با محاصره‌ای آغاز و با محاصره‌ای پایان می‌یابد؛ محاصره‌ای که نمونه پایان جهان است. در پایان آن دوره، ده سال مشخص آزار و جفا وجود داشت. این دوره در زمان افسس آغاز شد، سپس تاریخ اسمیرنا را در بر گرفت تا به کلیسای سازش‌کار قسطنطین رسید، هنگامی که کلیسای پرغامس در سال ۳۱۳ پدیدار شد.

آن ہفدہ سال از 313 تا 330، ہمتای خود را در تاریخ رافہ و پانیوم می یابند، جایی کہ نبرد سال 217 ق.م. و نبرد سال 200 ق.م. بہ فاصلہ ہفدہ سال از یکدیگر قرار دارند. در نبرد رافہ، بطلمیوس پیروز شد، اما پیش از نبرد پانیوم مردہ و رفتہ بود. با این ہمہ، او از سال 221 ق.م. تا 204 ق.م.، ہفدہ سال سلطنت کرد. سہ خط 250 سالہ کہ بہ واسطہ سہ ہفدہ بہ یکدیگر پیوند خوردہ اند، این ملاحظہ را اجتناب ناپذیر می سازند کہ 313 با 2026 ہم راستا است.

۳۱۳ گذاری مشخص از جفا بہ سازش بود؛ از این رو، سال ۳۱۳ بہ عنوان نمادی از دگرگونی ای با ماہیتی نبوی شناختہ می شود کہ بہ واسطہ تغییر از اسمیرنا بہ پرماس بہ تصویر کشیدہ شد. گام نخست با ازدواجی دیپلماتیک نمایان گردید کہ ہفدہ سال بعد بہ طلاق انجامید. گام دوم، نخستین قانون یکشنبہ بود. الہام بہ ما آگاہ می سازد کہ قانون یکشنبہ، با فرایندی تدریجی و گام بہ گام پیشی گرفتہ می شود کہ دربرگیرندہ قوانینی دربارہ یکشنبہ است؛ قوانینی کہ پیش از آن قانون یکشنبہ قرار دارند کہ چنین تعریف می شود: واداشتن شما بہ رعایت یکشنبہ و نیز آزار رساندن بہ سبب رعایت سبت روز ہفتم خدا.

«اگر خوانندہ بخواہد عوامل و ابزارهایی را کہ در نبردی کہ بہ زودی فرا خواہد رسید بہ کار گرفتہ خواہند شد، درک کند، کافی است سرگذشت وسایلی را دنبال کند کہ روم در اعصار گذشتہ برای همان مقصود بہ کار برد. اگر بخواہد بداند کہ پاپ گرایان و پروتستان ها، در اتحاد با یکدیگر، با کسانی کہ اصول اعتقادی ایشان را رد می کنند چگونه رفتار خواہند کرد، بگذار د روحی را بنگرد کہ روم نسبت بہ سبت و مدافعان آن ظاہر ساخت.»

«فرامین سلطنتی، شوراہای عمومی، و آیین نامہ های کلیسایی کہ بہ وسیلہ قدرت سکولار پشتیبانی می شدند، مرحلی بودند کہ بہ واسطہ آنها این عید بت پرستانہ بہ مقام حرمت در جہان مسیحیت دست یافت. نخستین اقدام علنی برای الزام رعایت یکشنبہ، قانونی بود کہ بہ وسیلہ کنستانتین وضع شد. (321) (321) این فرمان از شہرنشینان می خواست کہ در "روز محترم خورشید" استراحت کنند، اما بہ روستاییان اجازہ می داد کہ بہ فعالیت های کشاورزی خود ادامہ دہند. ہرچند این قانون عملاً حکمی بت پرستانہ بود، پس از پذیرش اسمی مسیحیت از سوی امپراتور، بہ اجرا گذاشتہ شد.» The Great Controversy, 573, 574.

فرمان میلان در سال 313، همان «فرمان شاہانہ» بود کہ پس از آن «شوراہای عمومی و مقررات کلیسایی مورد حمایت قدرت سکولار، گام ہا بودند.» این ہا گام های تدریجی ای بودند کہ بہ نخستین قانون یکشنبہ در سال 321 انجامیدند. یکی از آن گام ہا «مقررات کلیسایی» بود، مانند رعایت یکشنبہ، کہ «بہ وسیلہ قدرت سکولار حمایت» می شد. دورہ 1888 سلسلہ ای از قوانین یکشنبہ را مشخص می سازد کہ بہ وسیلہ سناتور بلر بہ مجلس سنا ارائه شدند و ہرگز بہ جایی نرسیدند، اما در همان بازہ تاریخی چندین ایالت در حال تصویب قوانین یکشنبہ با اجرای ایالتی بودند. این دو شاہد، سال 313 را بہ عنوان یک نشانہ راہ مشخص می کنند؛ جایی کہ «فرمان های شاہانہ»، همچون یک فرمان اجرایی، انتقالی را در تاریخ وحش زمین علامت گذاری می کرد؛ وحشی کہ مقدر است همچون اژدہا سخن بگوید.

جب ایالات متحدہ اژدہا کی مانند بولتے تو وہ بائبل کی پیشین گوئی کے مطابق چھٹی سلطنت کے طور پر اپنے انجام کو پہنچتے، اور وہ ایسا اسی طرح بول کر کرتا ہے جیسے اس نے چھٹی سلطنت کے طور پر اپنے اقتدار کے آغاز میں کیا تھا۔ 1798 میں، ایالات متحدہ نے ایلین اور سیڈیشن ایکٹس منظور کیے، جو اتوار کے قانون کی تمثیل تھے۔ 1798 کے ایلین اور سیڈیشن ایکٹس ان تین مراحل میں تیسرے تھے جن کا آغاز 1776 میں اعلان آزادی سے ہوا، جس کے بعد 1789 میں آئین آیا۔ یہ تینوں مراحل 313، 321، اور 330 کے ساتھ مطابقت رکھتے ہیں۔

۱۷۷۶، ۱۷۸۹ و ۱۷۹۸ همگی اعمالی بودند که به عنوان «سخن گفتن» تعریف می‌شوند، زیرا الهام به ما اطلاع می‌دهد که «سخن گفتن ملت، عمل مقامات قانون‌گذاری و قضایی آن است.» ۳۱۳، ۳۲۱ و ۳۳۰ همگی نشانه‌های راهی هستند که با قسطنطین کبیر مرتبط‌اند. پایان اسرائیل باستان حقیقی، هم پادشاهی شمالی و هم پادشاهی جنوبی، به صورت طلاق نمادپردازی شده است، و همین چیزی است که ۳۳۰ نمایانگر آن است. طلاق میان شرق و غرب در ازدواجی که هفده سال پیش از آن، در ازدواج فرمان میلان، آغاز شده بود. در قانون یکشنبه، ایالات متحده جام زمان آزمایشی خود را پر کرده خواهد بود و از حیث مقصود نبوی خود از خدا طلاق داده خواهد شد، چنان‌که سرزمین جاری از شیر و عسل برای اسرائیل باستان نمونه‌ای از آن بود. الهام می‌گوید ارتداد ملی به دنبال ویرانی ملی می‌آید. این هنگامی رخ می‌دهد که خدا سرزمین جلال را طلاق می‌دهد، چنان‌که سال ۳۳۰ آن را نمایندگی می‌کند. از ازدواج ۳۱۳ تا نخستین سلسله‌ای از قوانین یکشنبه فزاینده در ۳۲۱، تا طلاق ۳۳۰. ۱۷۷۶ با ۳۱۳ منطبق است، و ۱۷۸۹ با ۳۲۱ منطبق است و ۱۷۹۸ با ۳۳۰ منطبق است.

330 همچنین تحقق 360 سال از زمان نبرد آکتیوم در سال 31 پیش از میلاد است. آکتیوم سومین مانع روم بود و از این رو نمونه‌ای از قانون یکشنبه است، جایی که روم جدید دومین و سومین موانع خود را مغلوب می‌سازد. در نشانه راه 330، نبرد پانیوم به نبرد آکتیوم می‌پیوندد. نبرد رافیا در سال 217 پیش از میلاد با جنگ اوکراین در 2014 هم‌راستا می‌شود؛ سپس در 2015 ترامپ نخستین کارزار ریاست‌جمهوری خود را آغاز کرد، در 2020 هر دو شاخ وحش زمین کشته شدند، و در 2023 هر دوی آنان زنده شدند. در 2024 آزمون بنیادها آغاز شد و در 2025 اتحاد نبوی رئیس‌جمهور هشتم و همتای پای او با مراسم تحلیف متقابلشان مشخص گردید. ما این مطالب را در مقاله بعدی ادامه خواهیم داد.